بازکاوی گزارشهای ترکاشوند از آراء فقهی سه فقیه شیعی ـ جواد علاء المحدثین
علمی- پژوهشی
فصلنامه تخصّصی مطالعات قرآن و حدیث **سفینه**
سال هجدهم، شماره ۶۹ «ویژه زن و خانواده»، زمستان ۱۳۹۹، ص ۱۱۲-۱۳۲

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.18.69.8.4]

بازکاوی گزارشهای ترکاشوند از آراء فقهی سه فقیه شیعی

جواد علاء المحدثین*

چکیده: در این گفتار، ابتدا کتاب حجاب شرعی در عصر پیامبر نوشته امیرحسین ترکاشوند به صورت مختصر معرفی می‌شود، آنگاه فهرست و درونمایهٔ چند نقد که بر آن نوشته شده گزارش می‌شود. آنگاه نگارنده به تفصیل، سه مطلب از آراء فقهی سه فقیه شیعه؛ علامه محمد باقر مجلسی، مولی محسن فیض کاشانی و مولی احمد اردبیلی، به ترتیب در کتابهای بحار الانوار، معتصم الشیعة و مجمع الفائدة و البرهان، را با گزارش ترکاشوند از این آراء مقایسه می‌کند و خطای او را در تبیین این آراء روشن می‌سازد.

کلیدواژه‌ها: حجاب شرعی در عصر پیامبر (کتاب) - نقد و بررسی؛ ترکاشوند، امیر حسین - نقد دیدگاه‌ها؛ بحار الانوار (کتاب)؛ معتصم الشیعة (کتاب)؛ مجمع الفائدة و البرهان (کتاب)؛ اردبیلی، احمد؛ فیض کاشانی، محسن؛ مجلسی، محمد باقر؛ حجاب شرعی.

*. استادیار دانشگاه آزاد تهران شمال Jmoh_85@yahoo.com

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.18.69.8.4]

مقدمه

حجاب در نگاه دینی حکمی الهی و مبنای التزام به آن، تعبّد و تسلیم در برابر اوامر پروردگار است. این البته مغایرتی با احراز حکمت‌های حجاب، بر اساس اعلام شارع و با استناد به ادله معتبر ندارد. در عین حال، بحث از مستندات فقهیِ یک حکم با بحث حکمت تشریع آن متفاوت است، هر چند اشتراکات و هم‌پوشانی داشته باشد.

بسیار پذیرفتنی است که حکم فقهی در موردی کاملاً روشن و مورد اتفاق، اما حکمت آن نامعلوم و یا مورد اختلاف باشد.

هم‌چنین زمینه‌های اجتماعیِ اعلام یک حکم شرعی در صدر اسلام، موضوع سوم و مستقلی از دو عنوان قبلی است.

این‌که مثلاً حرمت شراب در ابتدا طی چند مرحله با نزول آیاتی تشریع شده باشد، موجب هیچ تردیدی در این حکمِ حرمت نیست و ارتباطی هم با حکمت آن ندارد.

در باب احکام، علاوه بر موضوعات فوق یعنی «احکام خمسه»، «حکمت احکام» و «نقش شرایط اجتماعی در تشریع»، عناوین دیگری هم مطرح است، مثلا شیعه به وصایت ائمه معصومین علیهم‌السلام از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در شئون مختلف از جمله در بیان (و تشریع) احکام عقیده دارد. بر این اساس، نسبت میان دوران رسالت و دوران حضور امامان علیهم‌السلام در فرایند تشریع محل بحث است. اعتقاد شیعی در امامت، این را از شئون امام می‌شمارد که حکمی شرعی اولین بار توسط یکی از ائمه طاهرین علیهم‌السلام بیان شده باشد، یعنی همان‌گونه که اشکالی ندارد حکم روزه یا زکات یا ... پس از گذشت سالیانی از بعثت، در میانهٔ دوران رسالت نبوی صلی‌الله‌علیه‌وآله تشریع شده باشد، همین وضعیت درباره دوران امامت نیز تعمیم دارد.

کتاب «حجاب شرعی در عصر پیامبرﷺ» تألیف آقای امیر حسین ترکاشوند، انتشار یافته مجازی در اوائل دهه ۹۰، با مدّعای بازنگری در نصوص مربوط به حجاب منتشر شد و از همان آغاز انتشار، با واکنش های مختلف روبرو شد. با وجود حجم زیاد از مطالب قرآنی، روایی، فقهی و تاریخی درباره حجاب که دقت نویسنده در تحلیل و تفسیر و ترجمه آنها محلّ بحث است، نتیجهٔ کلّی کتاب، قضاوت‌هایی شگفت در تقلیل حدود شرعی حجاب است که به شهرت نسبی کتاب انجامید. سخنان عجیب کتاب با انتشار آن (خاصه در فضای مجازی)، برای مخاطب عام جذابیت و شهرت یافت، به ویژه آن که رویکرد به تسهیل احکام حجاب در فضای خاصی که در جامعه ما نسبت به موضوع حجاب وجود دارد، برای بسیاری افراد توجه برانگیز است.

بررسی منصفانهٔ این حجم انبوه، زمانی فراخ و امکانات گسترده می‌طلبد. بدین روی ابتدا به پیشینهٔ نقد و بررسی این کتاب نظری می‌افکنیم، آنگاه از دیدگاه گزارش آراء فقهی سه فقیه شیعی بازکاوی می‌شود.

پیشینه

در زمینهٔ نقد کتاب ترکاشوند تا کنون چندین کتاب و مقاله منتشر شده است، از جمله:

۱. شاه سنایی، محمد رضا. «حجاب در صدر اسلام» (کتاب). مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، اردیبهشت ۱۳۹۹، ۲۱۰ ص.

وضعیت پوشش در روزگار جاهلی و عصر نزول قرآن، اشعار جاهلی و ترسیم چند و چون پوشش و البسه آن روزگار، پوشش، فرهنگ غالب عصر جاهلی، بررسی آیات حجاب و نقد نظرات طرف‌داران حجاب حداقلی، نقد نظر عدم تلازم بین حجاب و عفاف، تلاش پیامبرﷺ در رفع نواقص پوشش جاهلی، و خطاهای

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.18.69.8.4]

مبنایی، روشی و ترجمه‌ای ترکاشوند در کتاب حجاب شرعی در عصر پیامبرﷺ، از جمله محورهایی است که نگارنده به آن می‌پردازد.

۲. سرمدی، سعید (سلسله مقالات). نقدی بر کتاب حجاب شرعی در عصر پیامبر، ۱۳۹۴. این مقالات (دست کم چهار مقاله) از طریق خبرگزاری مهر در سایت اینترنتی این خبرگزاری منتشر شده است.

۳. شاهوردی، مجید؛ حبیبی‌تبار، حسین. نقد دیدگاه پوشش موی زنان در کتاب «حجاب شرعی در عصر پیامبر» (مقاله). مجله پژوهش‌های فقهی. (انتشار آنلاین: ۱۷ شهریور ۱۳۹۹)

این نوشتار، با روش تحلیلی- توصیفی و با استناد به گزارش‌های روایی، تاریخی و فقهی، در پی پاسخ به این سؤال است که آیا پوشش موی زنان واجب است؟ نتایج پژوهش نشان می‌دهد که برداشت نویسنده از روایات ناظر به پوشش حضرت زهراعليها‌السلام و زنان حاضر در کربلا، یک جانبه و با سیره رفتاری آنها ناسازگار است. شواهد ارائه شده برای عدم وجوب پوشش کنیز، دچار ضعف سندی و یا تعارض با سایر ادله است. تفسیر نویسنده از آیه ۵۹ سوره احزاب نیز افزون بر تضاد با روح مساوات اسلامی، مورد انکار بسیاری از مفسران فریقین است. در پایان، شواهدی چون برداشت معنای پوشش موی سر از واژه «جلباب» توسط عموم مسلمین و روایات فراوانی که در این‌باره وجود دارد، وجوب پوشش سر اثبات شده است.

۴. سوزنچی، حسین. حجاب در آیات و روایات. (کتاب). تهران: سدید، ۱۳۹۴. ۸۶ ص.

نویسنده در این اثر، در دو بخش کلی «نقد و بررسی محتوای کتاب» و «بررسی نمونه‌هایی از ادعاها و استدلال های کتاب»، کتاب «حجاب شرعی در عصر پیامبر» را نقد کرده و در بخش پایانی به بررسی دیدگاه فقها در مورد حجاب شرعی پرداخته و می‌کوشد با تحلیلی عالمانه و تحقیقی تاریخی در متون اصیل اسلامی،

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.18.69.8.4]

نگاه دین اسلام به حجاب زنان در عرصه جامعه را بیان کند.

۵. امینی، محمد. نقد و بررسی نگرش قرآنی نواندیشان مسلمان در مسئلهٔ حجاب (مقاله). ارائه شده به همایش نگرش علمی و کاربردی به عفاف و حجاب، ۱۳۹۶. موجود در سایت سیویلیکا به نشانی:

/https://civilica.com/doc/779252

خلاصه دیدگاه برخی از گویندگان مانند محمد سعید العشماوی، امیرحسین ترکاشوند و محسن کدیور این است که آن‌ها حجاب را یک مقوله فرهنگی می‌دانند که آیات قرآن یا دلالت بر وجوب آن ندارد و یا فقط عورتین را شامل می‌شود؛ چون آیات حجاب بیشتر از آن دلالت نداشته و بر وجوب پوشش سر و گردن دلالت نمی‌کند. مستندات نواندیشان عبارتند از: عرف عرب جاهلی؛ واژگان و جملات قرآن و شان نزول آیات حجاب. اما نگارنده این تحقیق مدعی است که از تجزیه و تحلیل آیات قرآن و بررسی شواهد تاریخی و روایی، نه تنها ادعای نواندیشان اثبات نمی‌شود، بلکه دلایلی قوی و متعدد بر علیه آنان گواهی می‌دهد.

۶. عشایری منفرد، محمد. درنگی در ترجمه‌های کتاب «حجاب شرعی در عصر پیامبر». (مقاله). سفینه، شماره ۶۳، تابستان ۱۳۹۸، ص ۱۵۶–۱۷۳.

نویسنده کتاب حجاب شرعی در عصر پیامبر، بر اساس ترجمه‌هایی که ارایه کرده به نتایج شگفتی رسیده است. در موارد متعددی ترجمه‌های اشتباه در این کتاب، مؤلف را به برداشت اشتباهی درباره دیدگاه دینی در موضوع حجاب یا واکنش مسلمانان نسبت به حکم شرعی حجاب رسانده است. نقد ترجمه‌های ارایه شده در این کتاب، موضوع این مقاله است که مقاله یادشده با روش ادبی به آن می‌پردازد.

۷. عشایری‌منفرد، محمد. معماری و حجاب در حجاز عصر پیامبر. (مقاله) در: کتاب

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.18.69.8.4]

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.18.69.8.4]

پوشش زنان در زمان پیامبر (جلد اول از مجموعه حجاب پژوهی) ص ۲۱۹ –۲۵۰.

۸. عشایری‌منفرد، محمد. پوشش زنان اهل بیت علیهم‌السلام و حکم شرعی حجاب (مقاله). در: کتاب پژوهشهای فقهی حجاب (جلد دوم از مجموعه حجاب پژوهی)، ص ۲۰۱-۲۳۴.

۹. عشایری‌منفرد، محمد. پوشش زن جاهلی و امکان حجاب شرعی در عصر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله (مقاله) در: مطالعات جنسیت و خانواده، شماره ۲، بهار و تابستان ۱۳۹۳، ص ۳۹–۶۰.

در تفسیر آیات مربوط به حجاب باید مشخص شود که آیا وضعیت کنونی حجاب زنان از زمان پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله شکل گرفته و امتداد یافته است یا آن‌که در زمان ایشان تنها یک حجاب معمولی، در حد امکانات پوششی آن زمان، شکل گرفته و پیروان شریعت بعداً آن را تا حد حجاب معروف امروزی توسعه داده‌اند. برای بررسی این که در زمان پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله همین حجاب کامل امروزی وجود داشته یا نه، باید به این پرسش نیز پاسخ گفت که آیا مؤلفه‌های فرهنگی و اجتماعی آن روزگار، مانند وضعیت لباس‌های زنانه و...، مانع تحقق چنین حجابی نمی‌شده است. این مقاله در صدد است با جستار در منابع لغوی، روایی، تاریخی و ادبی، به مطالعه امکانات فرهنگی ـ اجتماعی آن روزگار پرداخته و مشخص کند که آیا فرهنگ پوششی آن روزگار مانع از تحقق حجاب شرعیِ حداکثری می‌شده یا خیر.

۱۰. «حجاب در بستر تاریخ و فرهنگ عصر نزول» (میز گرد)، جهاد دانشگاهی دانشکده الهیات تهران، ۱۴ اردیبهشت ۹۵، با حضور دکتر آذرتاش آذرنوش، دکتر بهزاد حمیدیه و مؤلف کتاب.

مرور کلی بر درونمایهٔ کتاب

عنوان «حجاب شرعی در عصر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله» دو مؤلفه در خود دارد: «جنبه

شرعی» حجاب، و «جنبه عصری» آن.

این دو جهت، وجوه متمایزی از موضوع حجاب است. باید تأمل کرد که مؤلف دقیقا در پی چه بوده. ایشان در همان ابتدا (صفحه ۳) نوشته:

بیان مسأله، ضرورت تحقیق، سؤال اصلی

حجاب و پوشش امری است که بیشترین درگیری ذهنی و مراقبت عملی را برای مؤمنان به وجود آورده است. نقش حجاب شرعی در زندگی روزمره مسلمانان با هیچ چیز دیگری قابل مقایسه نیست ... اهمیت حجاب، از جمله ناشی از ذهنیتی است که ما مسلمانان در مورد میزان پوشیدگی مؤمنان صدر اسلام و به ویژه پیشوایان داریم ... ما گمان می‌کنیم که رسول خدا، امام علی و سایر صحابه دارای پوشش حداکثری بوده، و از آن مهم‌تر پوشش همسران پیامبر، حضرت فاطمه و سایر بانوان آن زمان را سرتاسری دانسته و چه بسا اینان را همراه با روبند و یا پنهان در پس پرده تصور می‌کنیم.

حال پرسش این است که آیا به راستی آنان چنین بودند، آیا آن‌ها آن‌گونه که ما فکر می‌کنیم بوده، و میزان حجاب و پوشیدگی‌شان مطابق با همان ذهنیتی است که از ایشان داریم و تصویری که روزگار از آن‌ها در ذهن‌مان حک کرده با واقعیتشان یکسان است؟ آیا زنانشان دارای چادر، مقنعه، بلوز، مانتو، شلوار، دامن و ... بوده، و مردان از شورت، شلوار، زیر پیراهن، پیراهن و ... استفاده می‌کردند؟ وجود چنین تصوراتی ناشی از مقایسه حجاب و البسهٔ رایج در عصر کنونی با وضعیت حجاب و جامه‌های رایج در آن عصر، و نیز ناشی از مقایسه مؤمنان زمان خود با مؤمنان و شخصیت‌های آن روزگار است... بنابراین می‌بایست به بازنگری در متون دینی پرداخت تا حجاب واقعی مؤمنان عصر پیامبر که برگرفته از آیات الهی و ارشادات نبوی بود، را استخراج کرد تا از رهگذر آن به درستی یا نادرستی ذهنیتی که از حجاب آنان داریم برسیم و در نتیجه میزان پوشیدگی واقعی ایشان را به دست آوریم.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.18.69.8.4]

وی بلافاصله حساب احکام فقهی را از بحث خویش جدا کرده و نوشته:

چنان‌که پیدا است عنوان تحقیق، «حجاب شرعی در عصر پیامبر» است و چون ظرف تحقیق را صرفا عصر حضرت قرار دادم بنابراین قصد ورود به حجاب عصر کنونی و احکام آن را ندارم ولی از آن‌جا که بخش مهمی از پایبندی‌های ما برخاسته از ذهنیاتی است که در باره آنان داریم پس چه بسا مطالعه تحقیق روشنگری‌هایی به همراه داشته باشد.

ملاحظه می‌شود که مؤلف سعی دارد هدف خود را تمرکز بر دیدگاه‌های تاریخی نسبت به میزان پوشش و حجاب، قبل و مقارن بعثت معرفی کند، و حتی تصریح کرده «قصد ورود به حجاب عصر کنونی و احکام آن را ندارم» اما در عین حال نمی‌تواند ورود مستقیم و سریع به احکام «حجاب شرعی» در عصر حاضر را حتی قدری به تأخیر بیاندازد و در همان عبارات نخست، از طرفی «اهمیت حجاب» و «بخش مهمی از پایبندی‌ها به حجاب» در روزگار معاصر را متأثر از «ذهنیت مسلمانان از میزان پوشیدگی مؤمنان صدر اسلام» شمرده که مایل است به روشنگری‌هایی درباره آن بپردازد، و از طرف دیگر دعوت به بازنگری در متون دینی نموده و نیز در متن کتاب، مفصلاً به بازنگری در متون فقهی و .... مشغول شده است.

با توجه به پیشینه‌ای که یاد شد، در این گفتار، بنا بر این است که فقط چند نقل ترکاشوند در کتابش مورد کنکاش دقیق قرار گیرد و میزان دقت ایشان در گزارش این نقل‌ها بررسی شود.

یکم. گزارش دیدگاه مجلسی در مورد رسول خدا

وی بخشی از کتاب را به سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم اختصاص داده و نقلیاتی در باب پوشش، استحمام و سایر امور شخصی حضرت آورده (از صفحه ۲۲۹ به بعد) و در ابتدای کتاب نیز مواردی از این دست را برای تمهید بحث و به عنوان مقدمه

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.18.69.8.4]

ذکر نموده است. نمونه‌ای از این نقلیات را با این‌که بازگو کردنش دشوار است، به‌ضرورت ذکر می‌کنم. وی نوشته:

آورده‌اند که در اثر حادثه‌ای طبیعی (یا با هدف بازسازی) ساختمان کعبه ویران شد و مردم در بازسازی آن اقدام کردند. محمد بن‌عبدالله همچون دیگران در این امر مشارکت داشت. آنان برای تجدید بنا اقدام به آوردن سنگ می‌کردند و برای این‌که از آزار حمل سنگ‌های درشت بکاهند، تک‌جامهٔ موجود بر اندام‌شان را از دور بدن جدا کرده و آن را بر روی شانه و کتف یعنی در زیر سنگ قرار می‌دادند و به‌صورت کاملا عریان راه می‌رفتند. گویند محمد بن‌عبدالله که هنوز به مقام رسالت نرسیده بود نیز بنا به سفارش دیگران (و یا بنا به تشخیص خود) جامه از تن در آورد و مکشوف العورة شد ولی طولی نکشید که دوباره خود را پوشانید. گزارش این واقعه در کتب حدیث و تاریخ آمده است. اینک به ذکر چند مورد می‌پردازم:

سمعت جابر بن‌عبدالله یحدث أن رسول الله ﷺ کان ینقل معهم الحجارة للکعبة و علیه إزاره، فقال له العباس عمه: یا ابن أخی لو حللت ازارک فجعلت علی منکبیک دون الحجارة قال: فحله فجعله علی منکبیه، فسقط مغشیا علیه فما رؤی بعد ذلک عریانا. (بخاری ۹۶/۱، مسلم ۳۳/۴)

جابر بن‌عبدالله گوید: رسول خدا ص [پیش از بعثت] در حالی‌که إزاری بر تن داشت، به همراه سایر قریش برای تجدید بنای کعبه سنگ می‌آورد. (عمویش) عباس به او گفت: کاش إزار را از کمر و بدنت باز کنی و بر روی شانه‌ات در زیر سنگ‌ها قرار دهی. رسول خدا ﷺ نیز إزار و لنگ را باز کرد و آن را روی شانه‌اش قرار داد اما [در همین بین] بی‌هوش بر زمین افتاد. رسول خدا دیگر پس از آن تاریخ عریان دیده نشد.

مؤلف در ادامه، پس از بازگویی چند نقل دیگر از منابع تسنن، در گزارشی نادقیق (در صفحه ۲۷) نوشته:

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.18.69.8.4]

سرانجام مجلسی سن پیامبر در جریان برهنه شدنش را ۳۵ سال یعنی ۵ سال قبل از بعثت دانسته است.

این در حالی است که عبارت بحارالانوار، مؤید تعبیر ناشایست کتاب نبوده، به این جمله ختم می‌شود:

... فما رئیت لرسول الله ﷺ عورة (مجلسی، ۴۱۱/۱۵)

... پس شرمگاه آن حضرت دیده نشد.

نکته دقیق‌تر، از قبیل موارد انبوهی است که از جهت ظرائف کار علمی، ابدا مورد توجه مؤلف در تحقیقش نبوده است. علامه مجلسی در جلد ۱۵ بحارالانوار (ص ۳۳۱) بابی گشوده با عنوان «منشأه و رضاعه و ما ظهر من إعجازه عند ذلك إلى نبوته ﷺ» و (تا صفحه ۴۰۱) بر اساس روال معهود کتاب، با شماره‌های مسلسل و پس از ذکر منبع، روایاتی را نقل نموده است.

از آن‌جا به بعد (تا صفحه ۴۱۴) خارج از روال یاد شده و با تعابیری از قبیل «رُوی» یا «رُوی عن فلان» ماجراهای زیادی متناسب با عنوان باب را نقل کرده - که عبارت مورد استناد ترکاشوند در ضمن آن‌ها است- سپس نوشته:

أقول: إنما أوردت سیاق هذه القصص مع عدم الوثوق علیها لاشتمالها علی تعیین أوقات ما أسلفناه فی الأخبار المتفرقة و کونها موضحة لبعض ما أبهم فیها.

می‌گویم: این سلسله داستان‌ها را با وجود عدم وثوق بر آن‌ها نقل کردم زیرا شامل تعیین زمان برای اخبار متفرقه‌ای است که پیشتر آوردیم و روشنگر برخی ابهاماتِ آن اخبار است.

و در پاورقی توضیح داده شده است:

لانها رویت بأسانید عامّة لم یتبین لنا وثوق رجالها، مع أنها مشتملة علی غرائب و نوادر (مجلسی، ۴۱۴/۱۵)

زیرا این داستان‌ها با سندهای عامّه نقل شده که اعتماد به راویانش برای ما احراز

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.18.69.8.4]

نشد، هر چند موارد غریب و نادر را در بر می‌گیرند.

لذا این که در عبارت ترکاشوند «سرانجام مجلسی سن پیامبر در جریان ... را ۳۵ سال ... دانسته است.» علامه موافق اصل ماجرا نشان داده شده، نادرست و ناشی از بی‌دقتی است.

البته با توجّه به نقل این نسبت شرم آور به پیامبر در صحیح بخاری و مسلم، بحثی مهم در اینجا مطرح است که به طور اختصار به آن اشاره می‌شود و از تفصیل چشم می‌پوشیم.

مؤلف کاملاً از زمینه جعل و تحریف گسترده در روایات اهل تسنّن، با رویکرد کوچک کردن شخصیت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که به‌قصد تطهیر خلفا و توجیه سیاه‌کاری‌ها و ضعف‌های آنان، یا انگیزه‌های دیگر رخ داده، غافل بوده است.

این بحث دامنه‌دار را در کتاب نقش ائمه علیهم السلام در احیاء دین تألیف مرحوم سید مرتضی عسکری دنبال کنید. (عسکری، ۱۳۸۲، ۲۱۰/۱) آقای عسکری در کتاب مفصل دیگرش، «نقش عایشه در تاریخ اسلام» حدیث جعلی فوق را از «مسند احمد»، با این مقدمه آورده:

> سال‌های اول خلافت عثمان، چون زمان حکومت ابوبکر و عمر می‌گذشت و عائشه چنان می‌پنداشت که چون گذشته [یعنی دوران دو خلیفه قبل] از احترام خلیفه عثمان بر خوردار خواهد بود و امتیازاتش همچنان بر دیگر بانوان رسول خدا محفوظ، و دستش کماکان در حل و فصل امور گشاده خواهد ماند روی همین حساب‌ها بود که چون دیگر سران قریش به تأیید از مقام خلافت و پشتیبانی از عثمان برخاست و با آوردن احادیثی درباره عثمان، شخص او و خلافت او را از پشتیبانی بی‌دریغ خود به مدت شش سال بر خوردار نمود. (سپس حدیث بالا را به عنوان شاهد آورده) (عسکری، ۱۳۸۶، ۱۴۸/۱)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.18.69.8.4]

روایت جعلی دیگری که با متن سخیف‌تری در ادامه نقل شده، با این انتساب دروغین به رسول خدا ﷺ ختم می‌شود: «چگونه از او ملاحظه نکنم و او را احترام نگزارم در حالی‌که به خدا سوگند، فرشتگان در محضر عثمان جانب شرم و حیا را نگه می‌دارند.»!! (همان، ۱۴۹)

مرحوم سید جعفر مرتضی عاملی ذیل عنوان «خرافة انحلال الازار»: «خرافه برافتادن ازار»، به نقد نقل مورد بحث درباره پیامبر اکرم ﷺ پرداخته و دلائل و قرائنی بر ردّ آن، ارائه می‌کند. ایشان در ضمن این بحث می‌نویسد:

> به مناسبت باید گفت: این قبیل افترا زدن‌ها، از پیامبر ارجمند ما ﷺ فراتر رفته و به پیامبر الهی، حضرت موسی علیه‌السلام نیز رسیده، اما به‌نحوی زشت‌تر و زننده‌تر، چنان‌که موضوع به فعل خدای سبحان درباره آن جناب نسبت داده شده است.
>
> بخاری و دیگران نقل کرده‌اند: بنی‌اسرائیل به حضرت موسی علیه‌السلام نسبت دادند که بیماری فتق دارد. ایشان لباس خود را درآورده و روی سنگی نهاده بود تا استحمام کند. وقتی خواست لباس را بردارد، سنگ به سرعت حرکت کرد و دور شد. موسی علیه‌السلام عصا را برداشت و دنبال سنگ افتاد و می‌گفت: «(آهای) سنگ! لباسم. (آهای) سنگ! لباسم.» تا این‌که بنی‌اسرائیل ایشان را دیدند و گفتند: «به خدا موسی مشکلی ندارد.» موسی لباسش را گرفت و شروع کرد به زدن سنگ!
>
> ابوهریره گفت: به خدا سنگ، سه یا چهار یا پنج بار ناله کرد ... (عاملی، ۲/ ۲۶۵)

دوم. گزارش دیدگاه فیض کاشانی

ترکاشوند درباره نظر فیض کاشانی (در صفحه ۷۱۳) آورده است:

> جمع بین ادله، برخی از فقها را به این سمت سوق داده که در نوع حکم استنباطی‌شان در مورد ستر مو و (گردن) به استحباب روی آورند و آن را از نوع واجب ندانند ... ملا محسن فیض کاشانی نیز... صرفاً قائل به احتیاط شده است که با کلام وی در انتهای فصل آشنا می‌شویم.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.18.69.8.4]

وعده مؤلف برای بیان کلام جناب فیض، (در صفحه ۷۶۷) با این عبارات محقق شده:

اینک آراء فیض و نتایجی که از کلام وی در باب حجاب و پوشش زنان به دست می‌آید نقل می‌شود و سپس متن سخن او را از کتاب «معتصم الشیعة» می‌آوریم:

۱. وی پوشش واجب زنان را بر مبنای دو رأی کلی شرح می‌دهد: رأی اول «تقریبا» با مطالب این فصل یعنی پوشش تنه، ران و بازو نزدیکی دارد. او این رأی را مربوط به اکثر فقها دانسته و خود نیز جزو ایشان است .. رأی دوم، برابری پوشش زن با مرد است .. فیض این قول را رأی اقلیت می‌داند و آن را نپذیرفته و بلکه به رد آن مبادرت کرده است.

۲. .....

۳. فیض هرگز قسمت‌های جایز الکشف زنان را منحصر به «وجه و کفین» یا «وجه و کفین و قدمین» نمی‌کند.

۴. فیض معتقد است محتوای روایات و مدارک، دلالت بر لزوم پوشاندن مو ندارد پس قائل به وجوب ستر مو نیست.

۵. او همچنین قائل به لزوم استتار گردن نیز نیست.

۶. جالب این‌که او [فیض] معتقد است از کلام اکثر فقهای جعفری برمی‌آید که آنان نیز پوشش گردن و موی سر را لازم و واجب نمی‌دانسته‌اند.

ترکاشوند سپس متنی از جناب فیض را مستند ادعاهای فوق قرار داده، ذکر کرده است:

در پایان، متن سخن فیض در «معتصم الشیعة» را می‌خوانیم: «... و اما المرأة الحرّة البالغة فیجب علیها ستر ما یستره المقنعة و الدرع الشامل غالبا وفاقا للاکثر و قیل بل هی کالرجل لنا صحیحة زرارة عن الباقر قال سالته عن ادنی ما تصلی فیه المرأة قال درع و ملحفة

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.18.69.8.4]

تنشرها علی رأسها و تجلّل بها و صحیحة محمد بن‌مسلم عنه‌علیه‌السلام قال و المرأة تصلی فی الدرع و المقنعة اذا کان الدرع کثیفا و هما کما تری لاتدلان علی وجوب (ستر) شعر الرأس و العنق کما یفهم من کلام الأکثر ...» (ص ۷۶۸)

وی ترجمه عبارات فیض کاشانی را نیاورده، که بدین شرح است:

اما بر زن آزادِ بالغ، مطابق با نظر اکثریت (فقها) واجب است که آن‌چه را مقنعه و پیراهن غالباً می‌پوشاند، بپوشاند، و گفته شده حکم او مانند مرد است. ما (در اثبات نظریه خود، مبنی بر وجوب پوشش با مقنعه و پیراهن) حدیث صحیح زراره از امام باقرعلیه‌السلام را داریم که گفت: «از حضرت، درباره کمترین پوششی که زن در آن نماز بگزارد، پرسیدم.» فرمودند: «پیراهن، و ملحفه‌ای که بر سر بیاندازد و با آن، خود را بپوشاند.» و حدیث صحیح محمد بن مسلم از امام باقرعلیه‌السلام که فرمودند: «زن در پیراهنی که ضخیم باشد و مقنعه نماز بگزارد.» و این دو روایت، چنان‌که می‌بینی بر وجوب پوشش موی سر و گردن، آن‌طور که از سخن اکثر (فقها) فهمیده می‌شود، دلالت ندارد ...»

چنان‌که ملاحظه می‌شود:

– عبارات فوق، به‌روشنی درباره حکم پوشش در نماز است و نه در برابر نامحرم ولی آقای ترکاشوند، همه گزاره‌ها را به «پوشش در برابر نامحرم» تعبیر کرده است.

– وی در شماره ۴ نوشت: «فیض معتقد است محتوای روایات و مدارک، دلالت بر لزوم پوشاندن مو ندارد پس قائل به وجوب ستر مو نیست.»

علاوه بر این‌که گفتیم تسری دادن پوشش نماز به غیر نماز، موجه نیست، باید از ایشان پرسید که مگر جناب فیض نفرمود پوشش مقنعه برای زن واجب است (فیجب علیها ستر ما یستره المقنعة و الدرع الشامل غالبا وفاقا للاکثر) و شما هم مقنعه را در جای‌جای کتاب، روسری معنا کرده‌اید، در نتیجه لامحاله فیض، پوشاندن بخشی از مو را (حتی در نماز) واجب شمرده شده، پس چگونه گفتید: «فیض معتقد به

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.18.69.8.4]

وجوب ستر مو نیست»؟

البته شرح عبارت آخرِ جناب فیض، بر اساس اختلافی مطرح میان فقها است که برخی در وجوب پوشاندن موی سر را در نماز، محدود به موی روی سر و برخی، شامل موهای پایین‌تر از حد سر و گردن می‌دانند و برخی خیر. به بیان دیگر در فقه، این موضوع مطرح است که آیا علاوه بر پوشاندن موی روی سر در نماز، پوشاندن موی بلندتری که به گردن و پایین‌تر می‌رسد نیز برای بانوان واجب است یا خیر.

به این ترتیب مؤلف کتاب «حجاب ...» اصل و فرع مطلب را اشتباه گرفته است! نکته شگفت در استنباط وی این‌که مرحوم فیض، نظر غیر مشهوری مبنی بر تساوی حد پوشش در نماز برای مردان و زنان را نقل و رد کرده است. ترکاشوند که مسئله را اشتباها به غیر نماز تسری داده، بدین ترتیب در عبارت شماره ۱ (نقل‌شده در بالا) عده‌ای از فقها را قائل به «برابری پوشش مرد و زن» به‌طور مطلق، در نماز و غیر نماز دانسته است.

آیا برای ایشان قدری عجیب جلوه نکرده که تعدادی فقیه، حد واجب پوشش بانوان را صرفا پوشیدن لُنگ بدانند؟[1]

سوم. گزارش دیدگاه محقق اردبیلی

ترکاشوند درباره نظر محقق اردبیلی (در صفحه ۷۶۹) آورده است:

> محقق اردبیلی ... یک جا محتاطانه و در جای دیگر با صراحت، رأی به لازم نبودنِ پوشش «سر، گردن، ساق و بازو» داده است.

سپس عباراتی از وی را به نقل از کتاب «مجمع الفائدة» (صفحه ۱۰۵) نقل کرده است.

۱. در جلسه نقدی که مواردی از آن بازگو شد (در چند دقیقه پایانی) چنین اشکالی به آقای ترکاشوند شد و ایشان دفاع حیرت‌آوری کرد، بدین مضمون که ممکن است در فقه جای چنین «زلزله‌هایی» باشد.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.18.69.8.4]

اکنون با بررسیِ نظر این فقیه بزرگ از همان مدرک، فقط از یک صفحه جلوتر، مغایرت اعجاب‌آورش با گزارش فوق معلوم می‌شود:

محقق اردبیلی در صفحه ۱۰۴ از کتاب یاد شده می‌نویسد:

و أما عورة المرأة فلا خلاف فی کون کلها عورة یجب سترها فی الصلاة مطلقا عدا الوجه و الکفین و القدمین و فی غیرها من الأجنبی ... و أما ستر هذه الأشیاء فی غیر الصلاة، سیجیئ البحث عنه فی النکاح و أما حال الصلاة ...

و اما درباره عورت زن (هر عضوی که انسان از روی حیا آن را پنهان می‌کند)، هیچ اختلافی نیست که همه بدن او عورت و پوشاندنش در نماز، به طور مطلق واجب است، مگر صورت و دو کف دست و دو پا (از مچ به پایین) و نیز (پوشاندنش واجب است) از نامحرم در غیر نماز ... بحث از پوشش این‌ها [وجه، کفین و قدمین] در غیر نماز بعداً در سلسله مباحث نکاح خواهد آمد، اما بحث پوشش در نماز (اکنون به سراغش می‌رویم) ...

در عبارت فوق، محقق صراحتاً رأی خود را مبنی بر وجوب پوشش برای بانوان، جز وجه و کفین و قدمین بیان کرده است.

پس آقای ترکاشوند چگونه نظر ایشان را «لازم نبودن پوشش‌سر، گردن، ساق و بازو» دانست؟

پاسخ این است که چنان‌چه ملاحظه شد، محقق اردبیلی در پایان متن فوق نوشته: «أما حال الصلاة»: «اما بحث پوشش در نماز» و طبعاً در ادامه، بحث پوشش نماز را مطرح کرده که آقای ترکاشوند، آن ادامه را به جای حکم پوشش در نماز، حکم کلیِ حجاب در برابر نامحرم گرفته است. این، از مهم‌ترین اشتباهات وی در تحلیل آراء فقها در موضوع حجاب است، البته نه، تنها اشتباه.

آقای ترکاشوند (در صفحه ۷۷۰) برای مدلّل کردن ادعایش درباره نظر محقق اردبیلی، چنین می‌نویسد:

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.18.69.8.4]

وی [محقق اردبیلی] معتقد است ... روایاتی وجود دارد که دلالت بر لازم نبودن پوشش سر دارد و از طرفی با توجه به وجود روایات دیگری که پوشش رأس و سر را مطرح کرده، به جمع این دو گونه روایات پرداخته و نتیجه می‌گیرد که پوشاندن سر مستحب است و نه واجب: «لو لا خوف الاجماع المدعی لامکن ...»

ادامه عبارات این فقیه بزرگ، تا آن‌جا که ایشان (ترکاشوند) نقل کرده، بدین شرح است:

و لولا خوف الاجماع المدعی لأمکن القول باستثناء غیرها من الرأس و ما یظهر غالبا أیضا، فتأمل.

و یدل علیه أیضا ما سیجیئ من الأخبار الدالة علی جواز کشف الرأس للأمة و الجاریة فإنها تدل علی المطلق و الجمع بین الأدلة أیضا بالحمل علی الاستحباب، طریق واضح، فتأمل. و الذی یدل علی استثناء الجاریة و الأمة: علی ما قیل: مثل ما روی فی الصحیح: و لا ینبغی للمرأة أن تصلی إلا فی ثوبین و في الأخری: الأمة تغطی رأسها؟ قال: لا

و فی الموثق عن الصادق علیه السلام لا بأس بالمرأة المسلمة الحرة أن تصلی و هی مکشوفة الرأس و فی آخر، قال: لا بأس أن تصلي المرأة المسلمة و لیس علی رأسها قناع و حملت علی الصبیة، معللا بعدم التکلیف، فتأمل و بالاجماع: و الظاهر أنها عامة لو لم تکن خاصة بالبالغة، للفظ المرأة المسلمة و حملها علی الأمة أولی، و تکون الصبیة مستثنی (مستثناة) بالاجماع: و ادعی علیه الاجماع و علی الأمة أیضا: و بالجملة لا یخفی تأیید هذه الأخبار للاستثناء المتقدم، لأن ظاهرها عدم وجوب ستر الرأس فکیف القدم (ترجمه بخش‌های مورد استناد، در ادامه می‌آید.)

عبارات فوق، چنان که گفتیم، راجع به «حجاب در نماز» است؛ اما با کمال تعجّب باید گفت: بر اساس این عبارات، محقق اردبیلی حتی حجاب در نماز را، نه چنان که ترکاشوند به‌طور مطلق به وی نسبت داده، «لازم نبودن پوشش سر، گردن، ساق و بازو» نمی‌داند:

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.18.69.8.4]

آقای ترکاشوند (که گاه ترجمه عبارات عربی را به عهده خواننده کتاب نهاده) از متن فوق، فقط سطر اول را این‌گونه ترجمه کرده: «اگر ترس از اجماع ادعایی نبود، علاوه بر«وجه و قدمین و کفین» همچنین «سر» و سایر قسمت‌هایی که غالباً – بنا به عادت رایج زنان– پیدا و برهنه هستند (مانند: گردن، سینه، بازو و ساق پا) را نیز از لزوم پوشش استثناء می‌کردم.»

همین جمله نشان می‌دهد که محقق اردبیلی، دلیل اجماع را در این مسئله قبول دارد، و به همین جهت، حکم به عدم پوشش سر (حتی در نماز) نمی‌دهد. بنابراین باید در عبارات فوق، به دنبال سرنخ از نسبتی که ایشان به محقق اردبیلی داده (یعنی استحباب پوشاندن موی سر برای بانوان)، یا بهتر بگوییم: دنبال محل لغزش وی در تفسیر این متن بگردیم.

ابتدا یادآور می‌شویم که در ادامه عبارات عربی فوق، سه بار به موضوع نماز اشاره شده. نشانه مجددی بر این‌که بحث، حجاب در برابر نامحرم نیست:

... روی فی الصحیح: و لا ینبغی للمرأة أن تصلی إلا فی ثوبین: در روایت صحیح نقل شده که برای زن سزاوار نیست، جز در دو لباس نماز بگزارد.

و فی الموثق عن الصادق علیه السلام لا بأس بالمرأة المسلمة الحرة أن تصلی و هی مکشوفة الرأس: در حدیث موثق از امام صادق علیه السلام نقل شده: بر زن مسلمان آزاد حرجی نیست که با سرِ بدون پوشش نماز بگزارد.

و فی آخر، قال: لابأس أن تصلی المرأة المسلمة و لیس علی رأسها قناع و حملت علی الصبیة: و در حدیث دیگر: بر زن مسلمان حرجی نیست که نماز بگزارد، در حالی که پوششی بر سرش نیست و (البته همراه حدیث قبل) حمل بر خردسال شده است.

ما حصل سخن محقق اردبیلی این‌که وی در عبارت نخست می نویسد: اگر ترس از اجماع نبود، ممکن بود پوشش سر و برخی مواضع آشکار در نماز

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.18.69.8.4]

استثنا شود و چنان که گفتیم، این یعنی پذیرش اجماع یاد شده، در ضرورت پوشش سر در نماز. اما ایشان در ادامه، نشانه‌هایی در مخالفتِ اجماعِ یاد شده ذکر می‌کند، مثلاً بلافاصله نوشته: «هم‌چنین، دلالت بر استثنای مذکور (بر خلاف اجماع یاد شده) دارد، روایاتی که خواهد آمد و دال بر جواز آشکار بودن سر برای کنیز و دختر بچه (دانسته شده) ست، که دلالت بر جواز مطلق دارد. هم‌چنین، جمع نمودن میان ادله، بدین شکل که (روایاتِ حکم کننده به پوشش سر) حمل بر استحباب شود، راه روشنی است.»

در نتیجه، محقق اردبیلی، گرایش به ادله‌ای بر خلاف اجماع ذکر شده دارد و این ادله را در عبارات فوق شرح داده، اما نهایتاً قول مختار وی، همان اجماع بر ضرورت پوشش سر در نماز است. توجه دارید که متن فوق، متنی تحلیلی و درسی است و نه صرفاً فتوایی و صاحب کتاب، در چنین متونی چه بسا آراء خود را در جهات مختلف شرح می‌دهد، اما نهایتاً یک طرف بحث را که طبعا مستنداتش را اقوی می‌یابد، به عنوان نظر نهایی خود برمی‌گزیند.

نتیجه‌گیری

آقای ترکاشوند در کتاب «حجاب شرعی در عصر پیامبر» با ادّعاهای شگفت به میدان کارزار علمی آمده، اما مباحث او مبتنی بر خطاها و مغالطه هایی در استناد و تحلیل همراه است که برخی از این موارد در مقالات و کتابهای دیگر یاد شده است. در این گفتار، به یکی از مغالطات او یعنی عدم دقت در گزارش سخنان دانشوران پیشین و تغییر آنها در جهت مدّعای خود، اشاره شد. آنگاه سه مورد از این نقلها، یعنی گزارش سخنان علامه مجلسی، فیض کاشانی و محقق اردبیلی مورد کنکاش قرار گرفت. در نهایت، تفاوت آشکار میان درونمایهٔ سخن این بزرگان با گزارش ترکاشوند از آنها روشن شد.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.18.69.8.4]

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.18.69.8.4]

منابع

قــرآن کــریم

آلوسی، محمود بن عبدالله، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، دار الکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۱۵ق.

ابن عساکر، علی بن حسن، تاریخ مدینهٔ دمشق، دارالفکر للطباعة و النشر، بیروت، ۱۴۱۵ق.

ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، دار الفکر للطباعة و النشر، بیروت، ۱۴۱۴ ق.

اردبیلی نجفی، احمد بن محمد، مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، قم، بی‌تا

امینی، محمد. نقد و بررسی نگرش قرآنی نواندیشان مسلمان در مسئلهٔ حجاب (مقاله). ارائه شده به همایش نگرش علمی و کاربردی به عفاف و حجاب، ۱۳۹۶. موجود در سایت سیویلیکا به نشانی: /https://civilica.com/doc/779252

بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، دارالفکر، بیروت، ۱۴۰۱ ق.

ترکاشوند، امیر حسین. حجاب شرعی در عصر پیامبر. نشر اینترنتی، ۱۳۹۰.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات غریب القرآن، دفتر نشر کتاب، ۱۴۰۴ق.

زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس من جواهرالقاموس، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۴ ه.ق.

سرمدی، سعید. نقدی بر کتاب حجاب شرعی در عصر پیامبر، سایت خبرگزاری مهر، ۱۳۹۴

سوزنچی، حجاب در آیات و روایات «نقدی بر کتاب حجاب شرعی در عصر پیامبرﷺ»، www.souzanchi.ir

شاه سنایی، محمد رضا. «حجاب در صدر اسلام» (کتاب). مشهد: *دانشگاه علوم اسلامی رضوی*، اردیبهشت ۱۳۹۹.

شاهوردی، مجید؛ حبیبی تبار، حسین. نقد دیدگاه پوشش موی زنان در کتاب «حجاب شرعی در عصر پیامبر» (مقاله). مجله پژوهشهای فقهی. (انتشار آنلاین: ۱۷ شهریور ۱۳۹۹).

صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمّدﷺ، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۴ ق.

طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.

طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، قم، بی‌تا

طریحی، فخرالدین بن محمد، انتشارات مرتضوی، تهران، ۱۳۷۵ ش.

عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظمﷺ، دار الهادیؑ، بیروت، ۱۴۱۵ ق.

عسکری، سید مرتضی، نقش ائمه علیهم‌السلام در احیاء علوم دین، چاپ سوم، نشر منیر، تهران، ۱۳۸۶ ش.
---------- نقش عائشه در تاریخ اسلام، نشر منیر، تهران، ۱۳۸۸ ش.
عشایری منفرد، محمد. درنگی در ترجمه‌های کتاب «حجاب شرعی در عصر پیامبر». (مقاله). سفینه، شماره ۶۳، تابستان ۱۳۹۸، ص ۱۵۶–۱۷۳.
عشایری منفرد، محمد. معماری و حجاب در حجاز عصر پیامبر. (مقاله) در: کتاب پوشش زنان در زمان پیامبر (جلد اول از مجموعه حجاب پژوهی) ص ۲۱۹–۲۵۰.
--------. پوشش زنان اهل بیت علیهم‌السلام و حکم شرعی حجاب (مقاله). در: کتاب پژوهشهای فقهی حجاب (جلد دوم از مجموعه حجاب پژوهی)، ص ۲۰۱–۲۳۴
--------. پوشش زن جاهلی و امکان حجاب شرعی در عصر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله (مقاله) در: مطالعات جنسیت و خانواده، شماره ۲، بهار و تابستان ۱۳۹۳، ص ۳۹–۶۰.
فیض کاشانی، محسن. معتصم الشیعة. تهران: مدرسه عالی شهید مطهری، ۱۴۲۹ ق.
فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، مؤسسة دارالهجرة، قم، ۱۴۱۴ ق.
مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار الجامعة اخبار الائمة الاطهار علیهم‌السلام، دار الوفاء، بیروت، ۱۴۰۴ق.
مکی عاملی، محمد بن جمال الدین، ذکری الشیعة فی أحکام الشریعة، مؤسسهٔ آل البیت لاحیاء التراث، قم، ۱۴۱۹ ق.
نووی، یحیی بن شرف، شرح مسلم، دارالکتاب العربی، بیروت، ۱۴۰۷ه.ق.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.18.69.8.4]